

پوښکا علوم انسان و طاعات دیني
عصر پنجشنبه ها در بخارا

● گفت و گو با علی محمد افغانی

● گفت و گو با روح انگیز شریفیان

(گزارشی از جلسه حضور علی محمد افغانی در مجله بخارا، شنبه ۱۳۸۸/۱/۲۹)

۳۶۳

مجله بخارا در ادامه سلسله نشست‌های «عصر پنج‌شنبه» خود در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۸۸ میزبان محمد افغانی و همسر او بود. پیش از این محمود دولت‌آبادی، گلی ترقی، ناهید طباطبایی در این نشست‌ها از تجربیات خود در زمینه ادبیات داستانی سخن گفته بودند.

علی محمد افغانی، متولد ۱۳۰۵ در کرمانشاه است. وی تحصیلات متوسطه را در کرمانشاه گذراند و برای ادامه تحصیل به تهران آمد و وارد دانشکده افسری شد. به علت ممتاز بودن موفق به اخذ بورس تحصیلی برای آمریکا شد و در همانجا بود که با ادبیات و رمان آشنا گردید. در سال ۱۳۳۳ حین بازگشت از آمریکا، دستگیر و به زندان قصر منتقل شد. در زندان نخستین جرقه‌های نگارش رمان شوهر آهو خانم، که هفت سال از زندگی یک خانواده را به تصویر می‌کشد و حکایت ماجراهای پرکش و قوس و جذاب سید میران سرابی با همسرش آهو و میهمان ناخوانده و همسر دومش هماست، زده شد. این رمان یکی از مهمترین رمان‌های کلاسیک ایرانی نام گرفت و در سال ۱۳۴۰ و از سوی انجمن کتاب ایران به عنوان رمان برگزیده انتخاب شد. افغانی در سال‌های بعد نیز کتاب‌هایی به چاپ رساند از جمله: شادکامان دره قره‌سو، شلغم میوه بهشته، سیندخت، بافته‌های رنج، دکتر بکتاش، همسفر و بوته زار. خاطرات زندان تازه‌ترین اثر اوست که به



● علی محمد افغانی پس از سالها سکوت در عصر پنجشنبه در بخارا سخن گفت (عکس از ستاره سلیمانی)

زودی از سوی انتشارات نگاه به چاپ خواهد رسید. علی محمد افغانی سال‌هاست که ساکن امریکا است. حضور این پیرمرد ۸۴ ساله و سرزنده کرمانشاهی به همراه همسرش در ایران بهانه‌ای بود برای گفت و گو با او در عصر شنبه در مجله بخارا که با حضور چهره‌هایی همچون صفدر تقی‌زاده، یوسف علیخانی، فرشاد قربانپور، محمود فاضلی بیرجندی، علیرضا علمی، علیرضا رئیس دانا، فرزانه قوجلو، ترانه مسکوب و... برگزار شد.

در ادامه‌گزینه‌هایی از صحبت‌های علی محمد افغانی را می‌خوانید:

آقای افغانی در پاسخ به اینکه چطور نویسنده شد گفت: همواره دو دسته وارد حوزه ادبیات می‌شوند. یکی هست که ذوق و استعدادش را دارد ولی تجربه خاصی ندارد و دیگر که تجربیات مختلف در زمان‌ها و مقاطع مختلف بر زندگی‌اش تأثیرگذار بوده است من در زمره گروه دوم بودم و کتاب‌ها چنین تأثیری را بر من نهاده‌اند و این ندای درونی همواره با من بود. سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۵، سال‌های پرخروشی بود و ما از دوره خفقان رضاشاه بیرون آمده بودیم و روشنفکران آزادی‌بیان پیدا کرده بودند و تصمیم گرفتیم که در همان زمان مثل دوران انقلاب، که مردم از زیر یوغ دیکتاتوری آزاد شدند، خودسازی کنیم.

۳۶۵

در آن دوران کتاب‌های صادق هدایت مرا جذب می‌کرد. اما فقط صادق هدایت نبود، آثار چوبک و جمالزاده نیز برایم جذاب بودند و از آثار غربی هم کتب خوشه‌های خشم، جاده‌های تنباکو و...، که از مشکلات طبقاتی صحبت می‌کردند، برایم جذابیت داشت. بعد که وارد دانشکده افسری شدم در فعالیت‌های حزبی علیه شاه شرکت نموده و به دوستم حسن پیروزی که در کرمانشاه بود و بعدها به زندان افتاد نامه‌ای نوشتم و چون او در فعالیت‌های حزبی بود مشوق من شد و من به حزب توده گرویدم. برایم همواره این نکته مبهم بود که آیا خدمتی که یک نویسنده می‌کند در حد مبارزات سیاسی هست؟ و لذا بعد از بازگشت به ایران و رفتن به زندان شوق نویسندگی در من بالا گرفت و دست نوشته‌های شوهر آهو خانم محصول همان دوره است.

وی در پاسخ به اینکه چرا کارهای بعدیشان به خوبی شوهر آهو خانم نشد گفتند: چون آن موقع مدتی را در محیط زندان سپری کرده بودم و تمام روز را در عالم آهو خانم و سید میران سرابی می‌گذراندم، ولی پس از زندان با شروع کار در یک شرکت ژاپنی تمرکز لازم برایم وجود نداشت. «زندانی مکانی برای تمرکز جواس نبود. در بندی که ما بودیم حدود ۱۳۰ زندانی وجود داشت و در هر اتاقی هم ۵-۶ زندانی، و لذا جایی برای تمرکز نبود و مدتی می‌نوشتیم و بعد باید کمی کار را تعطیل می‌کردم تا شاید شرایط برای



● صفدر نقی زاده از چگونگی نویسندگی پرسید (عکس از ستاره سلیمانی)

نوشتن دوباره فراهم شود. خودم هم می دانم که شوهر آهو خانم ارتباط بسیار نزدیکی با واقعیت های روحی، روانی و تضادهای جامعه دارد و بیانگر انقلابی است که در یک خانواده کوچک به وجود آمده و من آن را حس کرده بودم و شناختم، به همین دلیل کتاب مطرحی است، طوری که در آثار نویسندگان خارجی هم شما چنین چیزی نمی بینید.

در بخشی دیگر از این نشست علی محمد افغانی درباره عادات نوشتن اش و اینکه چه ساعتی از روز را به نوشتن می پردازد، چنین گفت: پیش از این بگویم که ابتدا شوهر آهو خانم را نوشتم، بعد در یک شرکت ژاپنی مشغول به فعالیت شدم و پس از آن شادکامان دره قره سو به چاپ رسید و من انتظار داشتم که به خوبی شوهر آهو خانم از آن استقبال شود که نشد و صرفاً در برخی مجلات اشاراتی به آن داشتند و این کار تعمدی بود و قصد کوییدن کتابم را داشتند. من بعد از نوشتن شادکامان دره قره سو ده سال قلم را کنار گذاشتم. چون زندگی خرج داشت و از آنجایی که در شرکت ژاپنی فضای سالم کاری وجود داشت و حقوق مناسبی هم می گرفتم، تنها به کار مشغول شدم. و در مورد نوشتن باید به این نکته اشاره کنم که هر نوشته ای یک مضمون و موضوعی دارد و به قول عبدالعلی دستغیب: «افغانی آنجایی که باید ثروتمند را نشان بدهد، ضعیف و آنجایی که باید فقرا را نشان دهد قوی عمل کرده است.» اگر من می خواستم، می توانستم خلاف این



● علی محمد افغانی از ناگفته‌های شوهر آهو خانم گفت (عکس از ستاره سلیمانی)

گفته عمل کنم و آن وقت ترازدی روستایی به وجود نمی‌آمد. بیکاری برای من از جمله معضلاتی است که در کارهایم بدان اشاره داشته‌ام و کارهای کسانی هم که به این حوزه می‌پردازند برایم جالب است. من اولاً شب‌ها قبل از شام می‌نویسم و گاه در ذهنم خین خواب آنچه را که باید بنویسم مرور می‌کنم. در زندان هم شب هنگام آنچه را که می‌خواستم بنویسم با علامت و نشانه‌ای روی دیوار ثبت می‌کردم و صبح‌ها، این علامت برایم یادآور مطلبی بود که قصد نوشتنش را داشتم.

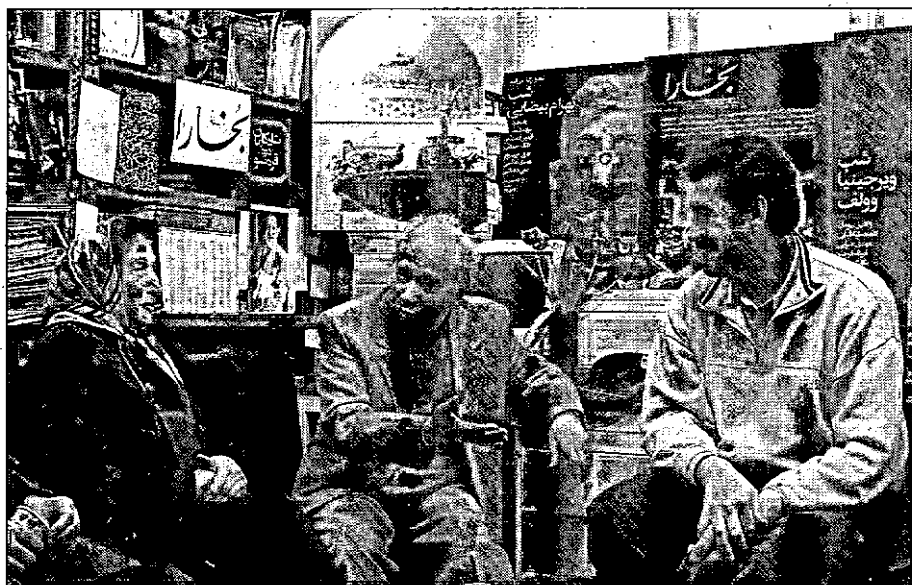
در پاسخ به این سؤال که چرا من رمان کوتاه ننوشته‌ام باید بگویم که خیر این طور نیست. کتاب محکوم به اعدام شامل مجموعه داستان‌هایی است که یکی از آنها با عنوان «فضل خوب سال» پاسخ‌گوی نیازهای روحی جامعه مستضعف است. اصولاً من در آثارم درد اقشار جامعه را مطرح می‌سازم. در جواب اینکه آیا شوهر آهو خانم بر مبنای تجربیات شخصی است یا خیالی؟ باید بگویم نویسنده با خیال نمی‌نویسد. با کشف و شهود خویش مسائلی را مطرح می‌کند که زنده‌تر از واقعیت است. واقعیت یک ابزار خام است. اگر هم صرفاً بر مبنای تجربیات شخصی بود باز هم نمی‌توانستم دست به قلم بزنم. من از شخصیت‌های کسانی که در زندگی‌ام حضور داشتند متأثر شدم؛ مثلاً نقش «میرزا نبی» را از یکی از همکاران پدرم که سواد داشت و شاهنامه می‌خواند الهام گرفتم.

او در باب نویسندگان مورد علاقه‌اش گفت: صادق هدایت و جمالزاده را دوست دارم و در نویسندگان نسل بعد اصالت نویسندگی محمود دولت‌آبادی برایم قابل احترام است و به نظرم جلال آل‌احمد در زمینه سفرنامه‌نویسی و مقاله‌نویسی خوش درخشیده است. از کارهای احمد محمود هم زمین سوخته برایم جالب است. احمد محمود همسایه‌ها را متأثر از زمین نوآباد شولوخف نگاشت.

در رئالیسم مسئله کوچکی انسان مطرح نیست، بلکه بزرگی انسان حتی در جنبه‌های منفی ذاتی‌اش مطرح می‌گردد. بالزاک داستان کوتاهی دارد به اسم «سوگند» که بسیار زیبا است. رئالیسم، والایی و پرتوافکنی انسان است، عمق عواطف انسانی است. کتاب خاطرات زندان را من با همان کاراکتر حزبی که داشتم نوشتم. و نخست عنوان آن «پیمان به راه تو سوگند» بود و بیانگر این مضمون بود که ما توده‌ای بوده و به حزب توده وفا داریم. بعدها این اسم به نظرم ابهام‌آمیز بود و عنوان آن را گذاشتم: «پیمان بی تو هرگز» و در مقدمه نوشتم: «به یاد دوستم اسماعیل محقق دوایی که به دستور شاه در یک گروه شش نفری تیرباران شد.»

علی محمد افغانی در پاسخ به این سؤال که ماجرای چاپ کتاب شوهر آهوخانم چه بوده چنین گفت: نکته جالبی که در مورد داستان چاپ شوهر آهوخانم باید اشاره کنم این بود که من بعد از آزادی از زندان، نسخه دست‌نویس این کتاب را که در دو جلد بود به انتشارات «معرفت» که کارهای جمالزاده را منتشر می‌کرد بردم. آنها نگاهی به کتابم انداختند و گفتند: «داستان خوبی است ولی سرمایه ما درگیر چاپ کتاب قیاس اللغات است.» بعد به منزل بازگشتم و با ماشین تحریری که خریدم به تایپ آن مشغول شدم و خودم آن را به چاپ رساندم و حروف چینی‌اش را به حروف چینی «سپه» سر خیابان فردوسی با مدیریت برادران اسکویی سپردم که شش، هفت ماه طول کشید و در ۲۰۰۰ نسخه به چاپ رسید. وقتی که کتابم مطرح شد، انتشارات امیرکبیر از من برای چاپ آن دعوت کرد و الان به چاپ سیزدهم رسیده است.

او در زمینه موسیقی و علاقه‌اش به هنر گفت: «کارهای شجریان همواره برایم لذت‌بخش بوده برعکس هیچگاه نتوانستم با موسیقی کلاسیک فرنگی رابطه برقرار کنم. خیلی هم اهل فیلم نیستم اما گاو مهرجویی اثری بی‌نظیر و بازی عزت‌الله انتظامی هم فوق‌العاده است. اصولاً به نظرم سوزده‌های خارجی تقلیدی و تکراری‌اند. خیلی اهل مصاحبه هم نیستم و در جمع‌های روشنفکری اگر دعوتی از من به عمل آمده باکمال میل استقبال کردم.»



● یوسف علیخانی، علی محمد افغانی و همسرش (عکس از ستاره سلیمانی)

۳۶۹

در پایان محمد علی افغانی درباره آخرین کارش گفت: «اکنون مشغول ترجمه شوهر آهوخانم به زبان انگلیسی هستم و امیدوارم با موفقیت به پایان رسد.»

منتشر شد :

شعر امروز را چگونه بخوانیم؟

کازم سادات اشکوری

نشر هزار - تهران - خیابان انقلاب - نرسیده به چهارراه وصال - شماره ۱۱۷۶ -

واحد ۴ تلفن ۶۶۴۸۷۴۴۲